

رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حل‌ها*

آیت‌الله حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وآله. ابتدا از جانب آقای مهندس میرسلیم و همکارانشان متشکریم که کار مهمی را که جای آن در کشور ما خالی بود شروع کردند. تحقیقاً این گام اول نمی‌تواند همه آرزوها و خواسته‌ها را برآورده سازد؛ زیرا موضوع بسیار مشکل و پیچیده است. ولی باید با حوصله و مشاوره و همکاری‌های وسیع بین حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی، بتوانیم راه حلی را برای این مسأله مهم دنیای اسلام پیدا کنیم.

* استخراج شده از سخنرانی افتتاحیه نخستین همایش تخصصی رؤیت هلال، تهران، هشتم و نهم آبان ۱۳۸۱.

صحبت بنده - به خاطر اینکه بر اثر تأخیر، با برنامه‌های بعدی ام مقداری تزاخم پیدا می‌کند - کوتاه خواهد بود و البته بهتر است ماکوتاه سخن گوئیم تا محققان و صاحب‌نظران، بحث‌های تخصصی‌شان را مطرح کنند.

مسأله رؤیت هلال، از مسائل بسیار ریشه‌دار، سابقه‌دار و حتی پرحادثه در تاریخ اسلام است که در زمان خود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم هم به صورتی مطرح بود و متأسفانه همه ابعاد آن هنوز روشن نیست، ولی رفع ابهامات می‌تواند زمینه یکی از کارها و نگارش مقالات آتی شما باشد.

قرآن کریم، ابتدا مسأله را به این صورت مطرح می‌کند که: «یستلونک عن الأهله، قل هی موافیت للناس والحج» (بقره/ ۱۸۹)، سپس موضوع خاصی که ظاهراً راجع به حج است بیان می‌فرماید. ادامه آیه هم تأکید بر تقوی دارد؛ لذا یافتن پیوند بین اینها کمی مشکل است و درست معلوم نیست. البته در روایات و اظهارات مفسران، مطالبی دیده می‌شود اما قانع‌کننده نیست که اساس سؤال «یستلونک عن الأهله،...» از چه بوده و چه ابهامی در این باره در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم وجود داشته است؟

بعضی مطالب متفاوت از جمله اینکه منشأ آن از علمای یهود و یا ناشی از مسائل داخلی خود دنیای اسلام بوده است نیز مطرح می‌شود اما همه ابعاد پاسخ، همچنان روشن نیست و جواب‌ها خیلی مجمل است. ولی پاسخ خداوند، در قرآن کریم، که می‌فرماید: «قل هی موافیت للناس و الحج»، خود بیانگر یک نوع زمانبندی است که به حج هم برمی‌گردد. البته



این آیه یک معنای ظاهری دارد، ولی من تصور می‌کنم ابهام موجود در آن نیز خالی از مصلحت نبوده است؛ بدین معنی که اهل علم روی موضوع کارکنند و پاسخ سؤالات زیادی را که مطرح می‌شود، بیابند. لذا هم مسأله تقویم و زمانبندی و هم موضوع حج مطرح است که باز هم موضوعاً به زمان اجرای مناسک آن وابسته می‌شود.

مسأله رؤیت هلال، در جامعه اسلامی همواره از دو بُعد مورد مشاجره و بحث بوده است: یکی از بُعد خود انسان و تکالیف شرعی وی است، چون بسیاری از تکالیف ما مطابق تقویم قمری و ناظر به زمان‌های خاص است - نظیر ماه مبارک رمضان، نماز عید فطر، عید قربان، موسم حج و بسیاری از مستحبات و سنن که فراوان است - و به عبارت دیگر اگر یک مسلمان بخواهد تکلیف شرعی و وظیفه خود را درست انجام دهد، باید زمان را هم درک کند که برای وی کار بسیار دشواری است.

دیگری از بُعد مسائل اجتماعی است. چه به لحاظ انجام مراسم و تکالیف اجتماعی که آنها نیز بر اساس تاریخ قمری مشخص می‌شوند و به زمان دقیق اجرای خود وابسته‌اند، مانند حج که نمی‌توانیم آن را یک مسأله شخصی تلقی کنیم و بعکس یک موضوع اسلامی بین‌المللی است، و چه به لحاظ مباحث سیاسی که اعیادی مانند عید فطر و عید قربان که تنها بُعد عبادی ندارند و اهداف سیاسی مهم، مسائل اجتماعی و بسیاری نکات دیگر نیز در آنها نهفته است، همگی در عین حال می‌توانند زمینه‌ساز تحقق اهداف همراه با اتحاد و هماهنگی باشند. زیرا تفرقه و اختلاف، ضد هدف است و تفرقه هنگامی ایجاد می‌شود که موضوع مورد بحث، به نزاع و



کشمکش تبدیل شود و بالتبع آثار منفی آن بسیار خواهد بود. البته در دنیای اسلام همواره این مسائل وجود داشته است و فی‌المثل اگر به تاریخ اعیاد در کتاب‌های تمدن اسلامی مراجعه کنید، ریزه‌کاری‌هایی را خواهید دید که چه بحث‌ها، مشاجرات، جنگ‌ها و منازعاتی که بر سر این مسائل صورت گرفته و عجیب است که مسأله هنوز هم برای دنیای اسلام حل نشده است!

یکی از اشکالات بسیار جدی به حوزه‌های علمیه و دانشمندان حوزه‌های نجوم و هیئت همین جا وارد است، بدین مفهوم که چرا به طور جدی به این مسأله پراهمیت نمی‌پردازند؟ امروزه مشاهده می‌کنیم که مثلاً در مکه، بسیاری از مردم درباره‌ی رؤیت هلال تابع فقهای محل خود و نظریات آنها هستند و لذا هنگامی که مسلمین به آنجا می‌روند می‌بینند که اختلاف در رؤیت به یک و گاه حتی به دو روز هم می‌رسد. آن‌گاه خیلی از فقها، از روی مصلحت، فتوا می‌دهند که تابع برنامه‌ی میزبان باشیم و بنابراین در حال حاضر بسیاری از مسائل این‌گونه حل می‌شود. خوب اگر می‌توان این فتوا را صادر کرد که همه در آنجا تابع باشیم، چرا این مصلحت را در اصل مسأله در نظر نگیریم و یکجا آن را حل نکنیم؟ به این تعبیر که برای روز معین، تصمیم رسمی در جهان اسلام گرفته شود؛ البته با ادله‌ی خاصی که بتواند نزدیک به حقیقت نیز باشد.

در مباحث تقویم شمسی و گاهشماری میلادی ملاحظه می‌شود که چنین مسائلی وجود ندارد ولی این طور هم نیست که اگر آنها نیز مقوله‌ای را به موضوع رؤیت محول کرده بودند این اتفاق نمی‌افتاد؛ بالاخره آن تقویم‌ها هم تابع معادلات و محاسبات نجومی است. با این تفاوت که عده‌ای



اندیشیده و مبنایی را به عنوان نوروز تعیین کرده‌اند، بعد هم به این ترتیب عمل نمودند که شش ماه نخست سال ۳۱ روزه، شش ماه بعدی ۳۰ روزه، و ماه دوازدهم نیز ۲۹ و بعضاً ۳۰ روزه اختیار شود. آن‌گاه برای اینکه مشکل را حل کنند کبیسه‌های چهار و پنج سالی را هم محاسبه و بدان اضافه کردند. تقویم میلادی هم با وضع معادلات و تعیین کبیسه، مشکل خود را به گونه‌ای حل کرده است ولی بدیهی است استفاده‌کنندگان از این نوع گاهشماری نیز برای خود برنامه‌هایی دارند؛ اعم از دینی، اجتماعی و سیاسی. اما باید دانست گرفتاری‌های موجود تقویم قمری یا اصولاً در گاهشماری میلادی وجود ندارد یا اگر هم هست خیلی کم است.

متأسفانه درباره تقویم هجری قمری، یعنی گاهشماری‌ای که زندگی دینی، فکری، اجتماعی، سنن و آداب ما بسیار بدان وابسته است، هنوز کارهای اساسی نشده است و تصور می‌کنم از پژوهش‌های بسیار بسیار مهمی که شما محققان شروع کردید و همگان باید روی آن کار کنیم این است که درباره تقویم قمری عمیقاً تحقیق نماییم و جمعاً یک تصمیم درست بگیریم. از لحاظ شرعی هم واقعاً موضوع قابل توجه است. در حال حاضر، اغلب «رؤیت» را به خاطر روایاتی که داریم، ملاک قرار می‌دهند و باید دانست که چنین چیزی در قرآن نیست. ولی با همه اینها روایات متعددی که وجود دارد، به مقوله رؤیت متکی است. در فقه ما بسیاری از مسائل وجود داشته که تا مدت‌ها اجماعی بوده و پس از مدتی اجماع به هم خورده و عوض شده است. با مطالعه در تاریخ فقه، مسائل فقهی‌ای را می‌یابیم که با عوض شدن شرایط، گاهی حتی فتاوی اجماعی هم جایش را به مسائل



دیگر می‌دهد. مطلب مورد بحث ما نیز یکی از همان مسائل است که باید روی آن کار کنیم. وقتی که مرجع تقلید بزرگی مثل آیه‌الله العظمی خوئی آنچنان فتوای مهمی را می‌دهند که از جهاتی هم قابل توجه است، نمی‌توان بسادگی از آن گذشت و معلوم می‌شود که واقعاً باید بحث‌های اساسی درباره آن صورت پذیرد و البته بر فقها است که بدان پردازند.

به اعتقاد من، نخستین راهکار این است که جمعی از محققان علوم نجوم و هیئت و سایر دانش‌های دخیل، از همین اجلاس پایه‌اش را بگذارند و بحث‌های خود را آماده نمایند. سپس با آن گروه از دانشمندان حوزه که هم از علوم هیئت و نجوم مطلع‌اند و هم مسائل شرعی را به‌خوبی می‌دانند، جلسات مشترک بگذارند. بعد هم درباره مجموعه نظریات به‌دست آمده، با مراجع بحث و در آن تعمق کنند تا اینکه در نهایت امر راهکاری به دست آید. در انتها هم اگر برای ایران به نتیجه‌ای رسیدیم، هنوز کافی نیست و باید برای دنیای اسلام نیز فکری کنیم.

باید توجه داشت که با ناهماهنگی نمی‌توان پیش رفت؛ زیرا مسائل بین‌المللی را مراکز خاصی حل می‌کنند. برای مثال مگر می‌شود امروزه بدون ایکائو، هواپیمایی دنیا را اداره کرد؟ هیچ‌کس نمی‌تواند چنین ادعایی کند. همچنین اگر مقررات کشتیرانی بین‌المللی نباشد، بی‌نظمی غیرقابل تصویری پیش می‌آید. همین‌طور است مسأله ساعت که در مواردی حتی روی یک دهم ثانیه هم باید حساب کنیم، و اگر چنین نباشد نظم بین‌المللی نیز به هم می‌ریزد. اینها مسائلی است که دنیا (جوامع غربی) درباره‌شان تصمیم گرفته و آنها را حل کرده است.

در دنیای اسلام، بحث تقویم قمری یک موضوع بین‌المللی است. پنجاه‌وشش کشور مسلمان به اضافه مسلمانان همه کشورهای دیگر و در مجموع، صدها میلیون مسلمان اکنون در غرب و شرق عالم زندگی می‌کنند و آنها نیز مسائل و تکالیف و سنن و آداب و فرهنگشان را وابسته به این مسأله می‌بینند. وقتی که یک مسلمان دلسوز با تفرقه و ناهماهنگی مواجه می‌شود رنج می‌برد. برآستی این چه وضعی است و چرا یک تصمیم جامع گرفته نمی‌شود؟

همه این مسائل ظاهراً به مبحث رؤیت هلال بر می‌گردد، و همگان می‌دانیم که رؤیت می‌تواند اختلاف‌انگیز هم باشد و در حقیقت از لحاظ بین‌المللی نمی‌تواند مشکل را حل کند. حتی در داخل یک کشور هم نمی‌توان آن را حل نمود! وقتی که همسایه‌های ما که با یکدیگر قریب‌الافق هستیم، ماه را می‌بینند یا تصمیم می‌گیرند که آن را ببینند. و برنامه‌هاشان را نیز اجرا می‌کنند، سپس در اینجا، با چند کیلومتر فاصله، تصور دیگری بخواهد وجود داشته باشد، این موضوع اصلاً قابل توجیه نیست. آنها که می‌خواهند همه چیز علمی، تحقیقی، منطقی و مستدل باشد، اینها را نمی‌پذیرند. پس چنین اختلافی می‌تواند در عقاید ما شبهه‌انگیز باشد. یعنی وجود و بروز همین مسأله کافی است تا عده‌ای بگویند: این چه دین جامعی است که نتوانسته این مسأله را حل کند؟ و چرا مسلمان‌ها نمی‌توانند به حل آن پردازند؟

این یک وظیفه بسیار بسیار مهم شرعی و در درجه اول، وظیفه حوزه‌ها است. من اطمینان دارم اگر حوزه‌ها تصمیم درستی نگیرند، دانشگاه هم

نمی‌تواند به تنهایی این مشکل را حل کند. بخصوص مراجع باید تدبیری بیندیشند. امروزه، حکم بسیاری از مسائل جامعه را با مصلحت صادر می‌کنیم و چه مصلحتی را می‌توان یافت که مهم‌تر از ایجاد هماهنگی مسلمان‌ها در حج و اعیاد و همچنین در بسیاری از مراسم که مایه وحدت و شکوه و افتخار و عظمت اسلام است، باشد؟ و چه ضرری از این بزرگ‌تر که این تفرقه‌ها مثل خوره به جان جامعه بیفتد و تردیدهایی را در دل انسان‌ها به وجود بیاورد؟ این مسائل، عادی و معمولی نیستند و حتی از لحاظ شخصی هم انسان را با تکالیفی که بین او و خدایش دارد، دچار مشکلات روحی می‌سازند. اینکه گفته شود «یوم‌الشک» این‌طور باشد و...، یا هنگام عید فطر، عده‌ای - برای اینکه مسأله‌شان را حل کنند - به مسافرت بروند، شایسته‌ی زمان ما نیست. ما می‌توانیم این مسائل را حل کنیم و اکنون ضروری است آن را در مقیاس بین‌المللی مرتفع نماییم، نه در مقیاس فرد یا یک جامعه محدود و یا یک شهر.

به هر حال امیدوارم اکنون که این کار را شروع کرده‌اید، آن را ادامه دهید و هر کمکی هم که از من ساخته باشد، به خاطر اهمیتی که به موضوع می‌دهم، فروگذار نمی‌کنم؛ اعم از کمک‌های علمی و بحث‌های فقهی و یا به کارگیری ظرفیت مجمع تشخیص مصلحت نظام. البته رهبر بزرگوار انقلاب در اینجا باید پیشتاز باشند و در زمینه اجرا، در میان کشورهای اسلامی، نیز تصور می‌کنم بهتر است مرکزی مانند سازمان کنفرانس اسلامی متصدی و متولی امر شود - همان‌طور که سازمان ملل، متولی مسائل مورد نیاز کشورها است. البته این سازمان در حال حاضر انگیزه لازم را برای این مسأله ندارد؛ اگرچه

رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حل‌ها

در همه کشورها مسلمانانی وجود دارند و دلشان می‌خواهد که مسائل آنها را حل کنند، اما سازمان کنفرانس اسلامی باید این انگیزه را داشته باشد. البته کارهایی صورت داده‌اند و زحماتی هم کشیده‌اند و همین‌طور که در اینجا مطرح شد، آنها نیز همایش‌ها، اجلاس‌ها و بحث‌های زیادی را ترتیب داده و تصمیماتی را هم گرفته‌اند، ولی هنوز به نقطه حل این مشکل نرسیده‌اند که ما آن را در عمل می‌بینیم.

ان شاء الله خداوند به کار شما برکت دهد و توفیق‌تان را بیش‌تر کند.
والسّلام علیکم ورحمة الله.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی